

مَجَلَّةُ اَرْمَغَانُ

تاسیس بهمن ماه ۱۳۹۸ هجری شمسی

(پنجه خونی)

جمله فوق مثلی است سایر و در زبان فارسی شایع الاستعمال .
 پنجه خونی . کسی را گویند که دوست و دشمن را هدف
 تیر تهمت و عیب جوئی قرار داده . با ناخن افترا و سر پنجه
 بهتان چندان صورت خورد و بزرگ را بخراشد که همیشه از سر
 پنجه سرخ و ناخن خونین وی مردم بر حذر باشند
 در تمام اخلاق رذیله و کارهای زشت هیچ گناهی باندازه
 تهمت بزرگ نیست و هیچ گناهکاری باندازه مقتری پنجه خونی
 مستحق ملامت و عقاب نه
 هر گناه و تقصیری زیانش بیک نفر یا دو نفر یا بیک خانواده
 بیشتر عاید نمیشود ولی بهتان بیک جامعه را خانه برانداز و بیک کشور را
 سیل بنیان کن و ملک و ملت را باعث مرگ ابدی خواهد بود .
 بلای بهتان در بیک جامعه بمنزله دردسل است در بیک شخص
 چنانچه سل متصل قوای حیاتیه بیک شخص را تحلیل میبرد تا پس

منزل مرگش برساند همچنين بهتان و افترا قوای حیات اجتماعی يك ملت را مدام بتحليل ميبرد تا عاقبت در قبرستان اضمحلال و دخمه فراموشی مدفون گردد.

قوای حیاتبه يك جامعه عبارت است از اتفاق . اعتماد . محبت . معاونت . ثروت . اجتماعات . شرکات های عمومی . و امثال آنها .

این قوا در يك جامعه چندانکه ترقی کند آن جامعه راه ترقی و تعالی میبويد و اگر روبه تنزل گذاشت جامعه بترقی معکوس دو چار گشته و بفقرا در چاه نیستی خواهد افتاد .

ملت ایران از آغاز مشروطیت تا کنون که قریب هفده سال میگردد . پیوسته مشغول سیر فقرائی است .

پستی و انحطاط روز افزون ایران را اگر چه هزار علت خارجی و داخلی در کار باشد ولی علت اصلی بکلی افترا و پنجه های خونین است و بس .

رتال جامع علوم انسانی

« (تاریخ نزول این بلا) »

بلاي افترا با مشروطیت و آزادی توام در مملکت ایران وارد شد و بهمین سبب جامعه ما در زمان استبداد بسی خوشبخت تر و سعادت مند تر بود از دوره مشروطیت :

آنروز قوای حیات اجتماعی ما با اینهمه ضعف و سستی توام نبود یعنی اتجاد و اطمینان و معاونت بنام اسلامیت و ایرانیت در این

مملکت رواج بازار داشت
 آن روز يك تاجر برای پیشرفت کار خود تاجر دیگر را
 ورشکسته و مال مردم خوار و خائن معرفی نمی‌کرد
 تا دیگری هم با او معامله بمثل نکرده و در نتیجه هر دو در
 انتظار عامه ورشکسته و خائن قلمداد شده اعتبار که بهترین سرمایه
 برای تحصیل ثروت است از دست بدهند
 آن روز منتظر الوکاله نبود تا بنام منافع شخصی رقیب خود
 را خائن نوع و اجنبی پرست بخواند و اگر يك عاشق میز و مشتاق
 صندلی استفاده وجود داشت با حربه تهمت « دشمن وطن » « دستیار
 بیگانه » بحریف خود حمله نمی‌کرد .
 بالاخره آن روز حزب سازی و جمعیت بازی برای پیشرفت
 اغراض شخصی بمخيله اجنبی که خطور نکرده بودند و بهمین سبب
 بازار تهمت و افترا رواجی نداشت علوم انسانی
 از اولین روز حزب سازی و سیاست بازی يك دسته شاید
 بی وجدان که از لباس هنر عور و از چشم دانش کور و از تقوای
 مذهبی و قدس سیاسی و پرهیز اخلاقی بیخبر بودند با سرمایه
 الفاظ تازه ورود از قبیل وطن . آزادی . مساوات بنام طرفداری
 رنجبر در مجامع و احزاب وارد شده بادست و پنجه های خونین کاخ تهمت
 و افترا را شالوده ریختند . این بنای شقاوت با يك سرعت حیرت
 فزائی بانجام رسید یعنی در ظرف مدت هفده سال اخلاق ستوده يك

ملت پنج هزار ساله عوض شد و تمام طبقات و اصناف با زبان های تهمت و پنجه های خونین بجانب یگدگر افتادند .

این راه شقاوت که مفتریان برای نیل بمقاصد شخصی در پیش گرفتند بسی سهل الوصول بمطلوب بود و هیچگونه تحصیل و مشقت و زحمتی نداشت یعنی بمحض اینکه يك نفر دست و پنجه خونین از آستین بیرون می آورد در جامعه نادان يك مرد سیاسی وجیه المله و مبرز نامبردار میشد و بزودی کرسی وکالت یا صندلی وزارت یا میز ادا را اشغال میکرد .

به همین سبب افراد جامعه همین که این راه وصول بمقصد را شناختند همه سر از پا کرده برای شتافتند و در فاصله مدت قلیل تمام افراد جامعه از وضع و شریف بدون مدرسه و تجربه سیاست مدار شده و بمقصد نیل گاه یگدگر درین راه دست زبانی

بزرگترین خسارتی که بان جامعه این تهمت گران پنجه خونین بر جامعه ایران وارد آمده فقدان مردمان لایق و کاردان و هنر مند است .

زیرا معدودی مردمان هنرمند و کار آگاه که از دوره پیشین در ایران یادگار بودند در میدان تهمت گران پنجه خونین مقاومت رواندیده و کناره جوئی بر گزیدند . و اگر هم چند نفر برای مقاومت کمر بستند در مقابل انبوهی حریف زبون و مغلوب بلکه معدوم شدند .

البته در مهدي جنبين جامعه براي فردام يك فرزند هنر مند تربيت نخواهد شد زيرا علاوه بر فراهم نبودن وسائل تربيت در مملكتي كه بيهران بر هنر مندان چيره شده و خائنان خادمان را ايمال كنند ديگر بچه اميد كسي مشقت كسب فضل و هنر را تحمل كند و چرا بكناه خدمت گذاري و امانت بدست خائنين و وسائل اعدام يا تبعيد خود را فراهم سازد .

« از من بگير عبرت و كسب هنر مكن »

« باخويشتن عداوت هفت آسمان مخواه » « عرفي »

يك كارگر فرانسوي يا انگليسي در عين حال كه عداوت مسلكي با يك ارد و يك سرمايه دار دارد همچوقت اورا خائن و وطن و اجنبي پرست معرفي نميكنند زيرا ميدانند در اين صورت يك فرد از خويشان خود كاسته و يكي بر دشمنان بيگانه افزوده است اما در مملكت ما كارگر هاي ديمي و اعيان امي در موقع كشمكش هاي شخصي و جنگ هاي خيالي جز بنجه خونين و زبان تهمت حربه براي مبارزه ندارند . همه حريف خود را مزدور اجنبي و خائن وطن معرفي مي كنند و با قرار تمام افراد جامعه ديگر در تمام اين مملكت يك نفر ايراني نيست و تمام طبقات از خورد و بزرگ با وطن خود دشمن و با دشمنان وطن دوستند . در اين صورت ديگر كدام ايران و چه ملت و كدام استقلال و چگونه از ملل عالم انتظار داريم كه ما را بعظمت و استقلال شناخته و شرافت مندانه با ما رفتار كنند .

مثل معروف است که دو آخوند در دهی بدھقانی میهمان شدند . میزبان از هر یک شرح حال دیگری را در غیاب او جویا شد یکی رفیق خود را نادان تر از خر و دیگری پست تر از گاو معرفی کرد .

میزبان در موقعی که سفره نهار گسترده برای آن دو آخوند بحکم معرفی و قرار خودشان یک تو بره کلاه و یک کیسه پنبه دانه حاضر کرد و گفت شما یکدیگر را خر و گاو معرفی کردید من هم خوراک خر و گاو بشما دادم و اگر آدم بودید البته غذای آدم برای شما تهیه میشد .

اکنون اگر ملک عالم ما را با قرار خودمان مأخوذ داشته همه چیز ما را مربوط بدیگران دانسته و ما را مضمحل و مرده پندارند آیا گناه از کیست ؟

پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

« از کوزه همان برون تراود که در اوست »

غالباً اشخاص پنجه خونی خود دارای همان صفت مذمومند که بدیگران نسبت میدهند چنانچه میبینیم . بکر و زنامه مزدور بیگانه همه کس را خدمتگذار اجنبی و دشمن وطن معرفی میکند .

یک و کیل یا یک وزیر ده به پشتیبانی اجانب مقام و کالت یا وزارت را غصب کرد همه کس را متکی بغیر میشناسد

یک آخوند بی سواد که بیشتر از اهالی طهران او را میشناسند پس از آنیکه بر سر منقل از نشاء تریاک مست و ملنک شده بود دیدم که

دیگران را تریاکی و ناقابل معرفی میکرد .

دانشمندی میگفت

در جامعه ایران هر کس بیشتر طرف حمله و تهمت هوجبان پنجه خونین است یقین کنید که بهترین مردم اوست زیرا این اشخاص با اخلاق ذمیمه بحکم سنجیت طرفیت ندارند تنها دشمنی آنها با اخلاق و عادات حسنه است پس هر کس بیشتر مبعوض این جامعه باشد بیشتر محبوب من است -

عادات هذالدهر دم مفضل

و ملام مقدم و نقص جواد

بزرگان پیشینه در حق دشمنان خود هم تهمت راضی نمیشدند

تا بدوستان چه رسد -

مأمون پسر خود عباس چنین میگوید :

ای فرزند من ، صورت مردم را با ناخن تهمت مخراش

زیرا پست ترین مردم کسی است که با پنجه تهمت صورت مردم

را بخراشد -

معاویه در موقع جنگ صفین از عربی پرسید : از کجا می

آئی گفت : از پیش کسی که در چین و بخل و لکنت زبان بالا

ترین تمام خلایق است معاویه گفت : آن شخص کیست پاسخ داد :

علی ابن ابیطالب .

معاویه در غضب شد و گفت ای فاسق فاجر بخدا قسم

دروغ گفتی ، اما ترس را خداوند در وجود علی خلقت نقرموده و اما بخل اگر علی خانهای چند پر از طلا و نقره داشته باشد يك روز بمردم اتفاق میکند . و اما لکت زبانت . من احدی را ندیده ام که بعد از پیغمبر بفصاحت علی خطبه بخواند . پس امر کرد اسم آن عرب را از دفتر محو کردند و از پیش خودش براند .

باری ای هموطنان عزیز و دوستان حقیقی ایران چون من در نگارش این سطور هیچ گونه غرضی جز غمخواری شما منظور ندارم پس بحکم آنکه (سخن کز دل برون آید نشنید لاجرم بر دل) امیدوارم با گوش دل عرابض مرا اصفا کرده و اگر بحکم حس تصدیق فرمودید که در نتیجه نهمت گری شیادان پنجه خونین قوای حیات اجتماعی ما بکلی تحلیل رفته و خورشید سعادت و عظمت و قدرت بلکه استقلال ما در شرف افول است تا . وقت باقی است اندکی بخود آید و با هر فداکاری که ممکن است از این سیل بلای خانمان کن جلوگیری کنید .

در خاتمه مقاله ناگزیرم که مختصری از کلمات بزرگان را زیوررخسار شاهد مقصود قرار دهم تا بیشتر مؤثر باشد زیرا چون من هم فرزندان این زمان هستم نمیتوانم خود را خارج از صنوف مردمان پنجه خونین معرفی کنم و بهمین سبب نهی خرما خوار از خرما خواری اثری نخواهد داشت : (وحید)